

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

هیوادوال کابل

۱۱/۰۱/۲۷

نظری گذرا بر اثر جاودانه پروفیسر عبدالقیوم «رهبر» :

"تنوری و عمل انقلاب و اوضاع کنونی"

پروفیسر عبدالقیوم «رهبر» رساله «تنوری و عمل انقلاب و اوضاع کنونی» را بعد از شش سال مقاومت قهرمانانه مردم دلیر ما در برابر استعمار شوروی نوشت. «رهبر» با جمع بندی تجربیات مثبت و منفی مقاومت شکوهمند ملت ما در پرتو نظریات علمی و تلفیق تنوری با تجربیات عملی، به نتیجه گیری هائی دست یافت که در اواخر ششمین سال مقاومت دلیرانه مردم ما در برابر سوسیال امپریالیزم شوروی، به مثابه قطب نمای دقیق و راهگشا، نه تنها برای سازمان پرافتخار و قهرمانی که رهبری آنرا به عهده داشت (سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما") بود بلکه رهنمود دایمانه ای برای تمام اجزای مقاومت میهنی که مقابله با بیگانه متجاوز و ایادی بی مقدار آن را درست روز قرار داده بودند، می توانست به شمار آید.

نوشته حاضر به هیچوجه هدف نقداثر متذکره را ندارد زیرا نقد رساله «تنوری و عمل انقلاب و اوضاع کنونی» مستلزم آمادگی های تئوریک، احاطه بر ابعاد گوناگون رویدادهای ملی و بین المللی و صلاحیت علمی از نوع صلاحیت علمی شهید پروفیسر «رهبر» می باشد که این مأمول بدون شک در آینده به واقعیت خواهد انجامید.

آنچه در اینجا مدنظر است، شناسائی آن نکاتی است که با گذشت زمان، یا به اوضاع فعلی کشور هنوز هم قابل انطباق اند و یا پیش بینی دایمانه آنها در عمل به اثبات رسید؛ و یا هم هردو. ازینرو کوشش به عمل می آید تا نقل قول طوری صورت بگیرد که خواننده در دنبال نمودن افکار و نظریات، به علت فاصله زمانی حدود سی سال، دچار ابهام نگردد. پروفیسر «رهبر» در رساله «تنوری و عمل انقلاب و اوضاع کنونی» از دیدگاهها و مواضع «ساما» حرکت نموده و به این منظور برش هائی از شب نامه های مشهور و اعلامیه های «ساما» بصورت مکرر در آن اثر گنجانیده شده است. هر یک از آن برش ها عصاره فکری تراوش کرده در مقطع خاصی از مبارزه دوران سازمان آزادیبخش مردم افغانستان می باشد.

پروفیسر «رهبر» به عنوان یک شخصیت علمی شناخته شده ملی و بین المللی در رساله «تنوری و عمل انقلاب و اوضاع کنونی» فورمول ها و عباراتی را به کار گرفته است که در هیچ اثر مقاومت قبل از آن به نظر نخورده است و

به شکل منطقی ولی عام فهم به تحلیل شکل بندی مقاومت و عملکرد مقاومت ضداستعمارشوروی پرداخته است. از آنجمله اند عبارات "مقاومت از محیط به مرکز" (مقاومت انعکاس یافته در خارج از کشور: تنظیم های چندگانه مستقر در پاکستان و ایران و خصوصیت های ضدملی آنها) و "مقاومت مرکز به محیط" (مقاومت برخاسته از میان توده ها و متکی به خود آنها: مقاومت های خودبه خودی جبهه های آزاد و شکل بسیج شده و انسجام یافته آن در چارچوب سازمان هائی چون سازمان آزادیبخش مردم افغانستان «ساما»).

«رهبر» هر دو حرکت مقاومت را ارزیابی نموده و به نتیجه گیری های تاریخی می رسد. وی اظهار می دارد: "سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما) که به همت انقلابیون بزرگ و پاکبازین سرزمین و در پیشاپیش آنها مجید شهید بنیادگذاشته شد، بدیلی علمی و انقلابی هم برای حرکت خودبه خودی توده و هم برای سازماندهی های خارج کشوری بود و در واقع تجسم عملی این مقاومت "مرکز به محیط" و هسته نیرومند و پرتحرک آن بود." عبارات عمیق و پرمفهوم دیگری را که «رهبر» در رابطه با حرکت مقاومت میهنی "مرکز به محیط" به ضد ابر قدرت اشغالگر روسی به کار می برد، مفاهیم "حرکت همزمان عمودی و افقی" است. وی چنین به تشریح آن مفاهیم می پردازد: "... حرکت عمودی بر روی آگاه ترین و استوارترین و پیشرفته ترین عناصر جامعه اتکاء نماید تا بتواند مقاومت را در هر لحظه بطرف ریشه ئی شدن و اعتلاء سوق بدهد؛ و حرکت افقی که بتواند ناهمگونی تاریخی - سیاسی موجود در جامعه را در محراق واحدی جمع کند و آنرا در یک حرکت سیاسی آنچنان ذوب سازد که علی رغم تفاوت های کمی و کیفی از یکدیگر، تار سیدن به هدف نهائی - که در شرایط موجود آزادی ملی است - بتواند مانند تن واحد حرکت نمایند."

مبهرن است که «رهبر» مقاومت "مرکز به محیط" را مقاومت توده ئی بنیادی و عمده ترسیم نموده و قوام و دوام آنرا منوط به موجودیت یک سازمان پیشتاز می سازد: "حرکت بطرف ژرفا بدون سازمان پیشتازی (تکیه از ماست) که بتواند گروه ها و لایه های اجتماعی انقلابی را بطور کامل برای زدودن همه جانبه مناسبات استعماری و ریشه کن کردن آن بسیج نماید و آنرا در اشکال مناسب سازماندهی کند، امکان پذیر نیست."

گرچه به یمن بازوی خلق دلیر و زنجیر شکن ما، دیواستعمارشوروی از یاد آمد و در ظاهر دیگر ضرورتی بر مکتب روی تحلیل ها و نتیجه گیری های آنزمان احساس نمی شود، ولی هرگاه برواقعیت تلخ حاکم در شرایط فعلی کشور عمیق شویم، بسا نکات پر ارزش اثر "تنوری و عمل انقلاب و اوضاع کنونی" هنوز هم زمینه تطبیق دارد. این ادعا توجیه خود را در زیر اشغال بودن سرزمین ما می یابد. امروز کشور ما اگر در شرایط نه بدتر از شرایط زمان تجاوز سوسیال امپریالیزم روس است، مسلماً در شرایط مشابه با آن قرار دارد؛ با این تفاوت که خصوصیات امپریالیزم غرب به سرمداری اضلاع متحده امریکا طور نیست که در برابر چشمان اقشار مختلف جامعه ما سراب "آزادی های اجتماعی" را جلوه گرساخته و از جانب دیگر، هرگونه صدای اعتراض ضد تجاوز نظامی و واقعیت اشغال را زیر عنوان حرکات "تروریستی" و "عملیات طالبان" در گلو خفه نموده بیرحمانه به سرکوب هرگونه نشانی از مقاومت می پردازد. اما واقعیت های اشغال، جنایت، ظلم و تعدی قوای اشغالگرو ایادی بومی شان طوری اند که هرگز اشغالگران و مزدوران گوناگون شان قادر نخواهند شد مقاومت اوج گیرنده مردم غیور ما را سد شوند.

از آنجائیکه مقاومت پشت جبهه - خلاف زمان مقاومت ضد روسی - حتا در وابسته ترین شکل آن نمی تواند ممکن باشد، این خوشبختانه فقط طرحریزی یک مقاومت "مرکز به محیط" است که می تواند بنیاد محکم یک مقاومت زنجیر شکن ضد استعماری را ممکن گردد. مقاومت "محیط به مرکز" به این دلیل مرفوع است که پدیده مقاومت و ضد مقاومت در شرایط حاضر کشور کاملاً با هم خلط ساخته شده اند. پاکستان که دیروز پشت جبهه محکم برای

مقاومت ضدروسی افغانستان بود ، امروز همزمان متحد اشغالگران کشورما و درعین حال حامی و همکار "مخالفین" آنها (طالبان و القاعده) می باشد. ولو هزاربار دولتمداران پاکستانی علایق به هم بافته خودبا طالبان و القاعده را انکار نمایند و یاهم خودرا دربرابر باداران امریکائی و انگلیسی خود مستقل و خودمختار نشان دهند ، باز هم همدستی مستقیم و غیرمستقیم شان با قوای نظامی استعمار غرب و طالبان و القاعده نمی تواند، کتمان شود. به همین صورت، ایران با تمام چنگ و دندان نشاندادن های "ضدامریکائی" خود ، درعمل بسا جهات سیاست های اشغال را درافغانستان مدد می رساند. ازطرف دیگر، چون دומملکت پاکستان و ایران - ازطریق عمل زرخرد خود - درافغانستان دست پنهان ولی آزاد دارند ، ضرورت هویت های پشت جبهه از نوع زمان اشغال افغانستان توسط استعمارشوروی احساس نمی شود.

پس این فقط یک حرکت مقاومت توده ئی درداخل مرزهای افغانستان است که می تواند راهی به سوی نجات افغانستان ازچنگال استعمارگران فعلی و رسیدن به آزادی واقعی مردم و استقلال کشورباشد. این حرکت برخاسته ازقلب کوهپایه های غرورآفرین سرزمین ما شرط اتکاء به خود و اتکاء به مردم را دریک سازمان پیشتاز، باخودحمل می کند. همانطوری که «رهبر» اشاره می کند:

" این مقاومت باید شدیداً متکی به خود و متکی به مردم خودباشد. اتکاء به مردم به مفهوم دفاع ازمنافع بلافصل و درازمدت آنها ، راه یابی سیاسی برای مشکلات آنها و حل معضلات روزمره آنها درخلال جنگ مقاومت است. چنانچه اتکاء به خود ، طرد هرگونه وابستگی است چه به صورت صریح ، یا ضمنی ، واضح یا پنهان خواسته یا نخواستہ. بدین مناسبت سازمان ما افتخاردارد که تحت رهنمائی های داهیانہ مجید شهید "خط مشی مستقل ملی و انقلابی" را اساس روابط و مناسبات بین المللی خود قرار داده که از آنوقت تا کنون سخت به آن وفادار است. سازمان ما به صراحت اعلام کرده است:

"چه جیونانه و خائنانه است نوحه جغذاسای آنانیکه به امواج خروشان قهرمردم و سمت گیری درست ونهائی آن باورندارند و راه رستگاری و نجات را نه با مردم بلکه با یک دشمن علیه دشمن دیگر سراغ می نمایند و یا ازبیم دودشمن ، گوشه گیری و انزوای بیدردسررادرپیش می گیرند." (مجید کلکانی)

پروفیسر «رهبر» درامتداد شرح خط مشی مستقل ملی و انقلابی ، به شیوه کارسازمان پیشتازچنین اشاره می نماید:

" مبارزه رویاروی با دشمن ، زندگی درمیان مردم ، درک رنج ها وسیه روزی های آنها ، فهم کمبودها و کشیدن رهنمودهای لازم ازواضع مشخص ، مسأله تبلیغاتی نیست بلکه مسأله ایست که علی اینکه به یک عامل مکانی تعلق می گیرد ، تاثیرات ژرفی را بروی مجموع میکانیزم جنبش می گذارد..."

امروزبا وجود همه تلاش قوای استعماری و مزدوران بی مقدار بومی شان ، مردم به کنه ضدملی و ضدافغانی اداره مستعمراتی کابل پی برده و اینجا و آنجا مقاومت های پراکنده به چشم می خورد که هرگاه آنچنانکه شهید «رهبر» دراثرازشمنند خود به آن اشاره نموده است ، توسط یک سازمان پیشتازبسیج و رهبری شوند ، بدون شک به آرمان مشترک که همان آزادی ملی است ، با افتخاردست خواهند یافت. وی دراین مورد می افزاید:

" نخستین اعلامیه "ساما" می گوید: « تجارب سراسر جامعه بشری و من جمله نبردهای ضدامپریالیستی پارینه خلق ما به بهای خون هزاران فرزند پاکباز این سرزمین مؤید این حقیقت است که آزادی ملی بدون دموکراسی واقعی ، عدالت اجتماعی و گرایش مترقی جز اسارت نوین و ضیاع خون های ریخته شده پی آمدی نداشته و نخواهد داشت." (اعلامیه "ساما")

برای مبارزه در راه رسیدن به چنان آزادی ملی توأم با بهروزی و سعادت مردم ، به دور از دسیسه های اسلام پناهی استعمار و همدستی بی شرمانه بنیادگرایی اسلامی با آن - «رهبر» طرح جنگ درازمدت را پیش می کند و در رابطه با بسیج آن چنین رهنمود می دهد:

"برای بسیج عمومی باید آنچنان پشتوانه فکری - سیاسی را ایجاد کرد تا مردم برپایه آن بتوانند سالهای سال در مقابل استعمارگر و مزدوران آن بایستند... فقط یک عامل سیاسی روشن که حیثیت محرک دائم التجددی را داشته باشد و آن چیزی باشد که استعمارگرومزدورانش آنرا برآورده نتوانسته و هم نتوانند خودرا با آن همنا نشان دهند ؛ و آن عامل آزادی است که توسط استعمارگر سلب شده است. آزادی وطن اسیر و آزادی هموطن بپا خاسته."

به این ترتیب ، پروفیسر «رهبر» حساب تنظیم های خود فروخته اسلام سیاسی و آله دست قدرت های مغرض بیگانه را از حساب مقاومت توده ئی مردم ما جدا می کند: " بنیادگرایی مدتی خواست در مقابل با استعمار خودرا وارث فرهنگی واقعی جابزند ولی شکست مفتضح آن در جامعه اکنون دیگر از چشم هیچ بیننده ای پوشیده نیست و مسأله با همان ضرورت شدید پیش روی همه قرار دارد."

«رهبر» در حالیکه با صراحت از خواست به حق مردم یاد می کند: "... به هر حال ، خواست مردم افغانستان تنها با خشکانیدن ریشه های پلید استعمار - چه "شرقی" و چه "غربی" - می تواند برآورده شود." (خروش رعد در پکتیا) ، بر این نکته هم تأکید می ورزد که: "... استعمار فقط با قهر انقلابی توده های ملیونی ، جارا برای آزادی واقعی خالی می کند. در هیچ کجای دنیا استعمار با رضا و رغبت ، کشوری را ترک نکرده است و به اراده مردم آن سرزمین احترام نگذاشته است..." (تکیه از ماست)

آری هموطن آزاده! این ها همه اندیشه های انقلابی و پیشرو شهید پروفیسر «رهبر» اند که قاطع و بران بودن منطق آن با آرمان توده ها در آمیخته ، قلوب مبارزان صدیق و پاکباز جامعه مارادرحال حاضر نیرو بخشیده ، به ارتقای روحیه بلند آزادیخواهی و مقاومت در برابر استبداد استعمار و خوشخدمتی ارتجاع می پردازد. ولی وی با پدیده شوم دیگری هم مصاف داده بود که آن پدیده شوم ، تسلیم طلبی در صفوف مقاومت ملی - انقلابی و مشخصاً در صفوف سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" بوده است. متعاقب کنفرانس سراسری "ساما" در ماه قوس ۱۳۶۲ شمسی ، وی چنین با آن معضله برخورد می نماید:

" مبارزه اصولی و قاطع سازمان ما در مقابل با گرایشات تسلیم طلبانه ملی که گوشه هائی از سازمان پرافتخار ما را می خواست آلوده بسازد و برخورد جدی نسبت به تمایلات غیر انقلابی انحلال طلبانه و گروه گرایانه ، سازمان ما را دوباره در موقعیت تاریخی دفاع از اصولی ترین راه انقلاب کشور ما قرار داد. این ایستادگی به یقین نقطه عطفی در تاریخ سازمان ماست چه به هویت سیاسی ما و چگونگی پیاده کردن این هویت در شرایط مشخص کشور ما ارتباط می گیرد."

در اوضاع و احوال حاکم در کشور ما در حال حاضر ، تعمق بر اندیشه های رهکشا و زنجیر گسل مجید و رهبر ، می تواند الهامی برای تراوش افکار نوین در مسیر انقلاب رهائیبخش خلق ما و شیوه اصولی رسیدن به آزادی ملی ، دموکراسی واقعی و عدالت اجتماعی ، در شناخت و حل تضاد ها باشد. تضاد عمده در کشور ما در حال حاضر ، تضاد ملت ما با استعمار در شکل قوای نظامی اشغالگراست. آنهایی که واقعیت اشغال را نادیده گرفته و یا آن را دست کم می گیرند ، نه تنها در مرداب انقیاد طلبی و خیانت ملی بیش از پیش فرو می روند بلکه قادر به این هم نخواهند بود که مردم را با ادعای دروغین خدمت به آنها فریب دهند. مردم آن عده روشنفکران چپ نما و پرمدها را که تا دیروز به دفاع از حقوق مردم و مبارزه انقلابی گلو پاره می کردند ، و امروز بیشتر مانده در زیر بال قوای اشغالگر استعماری پناه

برده ، با ظاهر خدمت به مردم ، قوای بیگانه را مخلصانه و برده وارمد می رسانند ، به تمام معنی شناخته اند. آن عده ای هم که با کرنش در برابر استعمار و اداره مستعمراتی کابل ، مزورانه و بیشرمانه خود را راهروان راه مجید و رهبرجا می زنند ، نمی توانند با تظاهر عوامفریبانه ، مدافع اصول و راه مبارزاتی مجید و رهبرباشند زیرا شمه ای از اندیشه های آن بزرگمردان جانباز که در بالا نقل شد ، نمی تواند در موقف و عملکرد امروزی آن جمع منحرف سراغ شود. آن عده به جای افشای ماهیت استعمار ، به مشاطه گری آن پرداخته و با انواع و اقسام سفسطه می خواهند خیانت به راه و رسم مجید و رهبر را مذبحخانه از انظار مستورنگه دارند. نظرو عمل آنها امروز در تضاد کامل با نظر و عمل شهدای جانباز سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما" قرار دارد. به عنوان پادزهر کرنش در برابر استعمار و تمایلات انقیاد طلبانه ، افشای ماهیت استعمار توسط شهید «رهبر» - در رابطه با «تکامل یک مبارزه چند بعدی» را در اینجا پیشکش می نمائیم:

" امپریالیزم یک قدرت نظامی محض نیست و تنها با ابزار جنگی نمی تواند به بهره کشی و استثمار میلیون ها انسان در کشور خود و در سراسر دنیا بپردازد. امپریالیزم سیستمی جهانی است که همچنان در ابعاد اقتصادی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی عمل کرده و در پهنای جهان در شبکه ای وسیع و بغرنج به فعالیت مشغول است: برخی رامهار کرده است و برخی دیگر را در دام نیرنگ استعماری خود نگه داشته است ؛ کسانی را و عده می دهد و کسانی را نیز با تهدید و وعید از مجازات می ترساند و به اینصورت است که امپریالیزم ، تجاوز و جنگ از مفهوم عتیق خود پا فرا ترمی گذارد و به مفهومی بغرنج و همه جانبه ارتقاء می یابد.

مقابله با این سیستم نیز نمی تواند تنها با ابزار نظامی میسر گردد و به پیروزی برسد. به دودلیل: اول اینکه کشور استعماری همیشه از لحاظ نظامی قوی تر از کشور استعمار شده است. دوم اینکه با یک سیستم فقط می توان با سیستم به مقابله پرداخت. با سیستم استعماری - امپریالیستی باید با سیستمی آزادیبخش و انقلابی مقابله گردد ، در غیر آن مبارزه ما ولو از شور و شوق توده های ملیونی هم ملهم باشد ، به پیروزی نمی رسد. عملیات نظامی اگر با اهداف روشن سیاسی ، اقتصاد جنگی متکی به خود ، فرهنگ بسیج کننده و آگاهی دهنده توده ها و بالاخره روابط بین المللی شرافتمندانه ، همراه با همبستگی فعال بدون قید و شرط توأم نباشد ، به یقین ثمره ای جز ضیاع خون های ریخته شده ندارد و شاید هم ثمر این خونها در دامن دشمنان نقاب پوش مردم بیفتد. به این جهت طرح یک ستراتیژی جامع الاطرافی که بتواند مجاهدات مردم را از حالت احساس و شور و شوق میهن دوستانه تا سطح یک حرکت هدفمند سیاسی - اجتماعی ارتقاء دهد که برای آزادی انسان از قید و بند ظلم ، تعدی ، عقب گرایی و عقب ماندگی می رزد ، نیازی ضروری و اجتناب ناپذیر است."

مسلم است که مقاومت مردم ما در برابر اشغالگران متجاوز غربی به سردمداری امریکا ، امروز در مراحل خیلی ابتدائی خود قرار دارد ولی هرگاه وجدان های بیدار «چراغ به دست تورشهر» در جستجوی راه نجات مردم باشند ، همین چند اشاره بالا کافی خواهد بود. و به عنوان حسن ختام ، سطوری چند باز هم از ختم رساله "تئوری و عمل انقلاب و اوضاع کنونی" شهید «رهبر» را در اینجا می آورم:

"هم اکنون راهی را که مجید شهید برای سازمان ما و جنبش مقاومت میهنی پیشبینی و پیشنهاد کرده بود ، روزتاروز متحقق می شود. سازمان ما در طی راه مبارزاتی پرمخاطره و پرعظمتش همیشه بروفاداری در نظر و عمل بر راه مجید پافشاری کرده و حفظ سازمان او ، آرمان بزرگ او و خط مبارزاتی او را در مقابل دشمنان رنگارنگ انقلاب در سر لوحه کار خود قرار داده و افتخار دارد که با صراحت و قاطعیت اعلام می دارد که سازمان مجید و آرمان او نه نابود می شود ، نه منحل می گردد ، نه به بن بست می رسد ، و نه هم زوزه های خوکان پرورش

یافته در مردابها توجه او را به خود منحرف می سازد. این سازمان سرفراز و مغرور، استوارویی باک ، با مشعل
فروزان انقلاب رهائیبخش انسان به پیش می رود. این هنوز از نتایج سحراست..."

زنده باد یاد شهید پروفیسر عبدالقیوم «رهبر»!

مرگ برقاتلان وحشی و زبون وی!

تابنده باد مشعل مبارزه اصولی ضداستعماری و ضدارتجاعی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"!

مرگ برانقیادطلبان منفعل و خائن به راه مبارزاتی و اندیشه های انقلابی مجید و رهبر!

هیوادوال کابلی

۲۷ جنوری ۲۰۱۱